

امری شیرازی

امری شیرازی که نام کوچک او قاسم است به علوم غربیه شهرت داشت و شعر خوب می‌گفت. عده از متعصبان شیراز او را تکفیر کردند و با وجودیکه سسی سال مداح شاه بود، شاه طهماسب صفوی را بر آن داشتند که فرمان داد تا بسال ۹۳۲ قمری دو چشمش را میلی کشیدند و کورش کردند.

امری پس از محروم شدن از بینایی ظاهری منزوی گردید ولی باز ایمن نماند و بسال ۹۹۹ قمری برخی از مردم عوام شیراز به اغوای عده‌ای بر او شوریدند و شهیدش کردند. این سخنور رنج‌دیده رساله‌های در علم اعداد و اسرار نقطه نوشته، همچنین رساله دیگری در ذکر و فکر و جواب مرآت الصفا تزیف کرده است.

وی دو بیت شعری در حین شهادت خود سرود و برای خواجه محمود دهمدار ارسال داشت، آن شعر این است:

نقص اگر دید ابوجهل نبود آن زنبی عکس خود بود که در آینه احمد دید
کاملان بحر محیط‌اند و سگان جهانند کی شود بحر محیط از دهن کلب، پلید
چامه زیر را نیز درباره نابینایی خود بسرود:

چون به فضل ایزد بیچون بحق بینا شدم

آگه از کینه رموز علم، الاسماء شدم

بر براق تن چو بر معراج جان کردم عروج

عارف اسرار سبحان الذی اسری شدم

جبرئیل نطق چون از عرش دل آورد وحی

واقف کیفیت اسرار ما اوحی شدم

چشم ظاهر چون به بستم چشم باطن باز شد

شاهباز عرش پرواز فلک پیما شدم

طعن بی چشمی مزن برای (امری) دشمن که من

چشم خود در راه حق دادم بحق بینا شدم

این رباعی را پس از نابینا شدن برای شاه طهماسب فرستاد:

شاهها ز لباس نور، عورم کردی وز در گه خود، بجور دورم کردی
سی سال همی مدح تو گفتم شب و روز این جایزه ام بود که کورم کردی!

نشان حق

اسرار حقیقت زدل دانا پرس این طالب حق نشان حق از ما پرس
چون وعده جمله را بفردا دادند فردا برم آ و قصه فردا پرس

گردش چرخ

از گردش چرخ واژگون می‌گیریم از جور زمانه بین که چون می‌گیریم
با قد خمیده چون طرحی شب و روز در قهقهه ام ولیک خون می‌گیریم
